یادداشت

نگاهی به ارزش‌های طبیعت‌گردی در ایران

بوم‌گردی؛ صعودی ساده از صنعت

اگر به محیط پیرامون شهرها و زیست‌بوم‌های انسانی نگاهی ساده بیندازیم، همیشه طبیعت مکانی برای رجوع و خلوت‌گزینی بشر محسوب می‌شده و حتی اگر پا را پیشتر بگذاریم تراکم جمعیتی در اغلب مناطق قابل زیست در زیست‌بوم‌هایی با کیفیت طبیعی نسبی بنا شده‌اند؛ چنانچه حاشیه رودخانه‌ها و دامنه کوه‌ها و کوهپایه‌ها و دشت‌های محصور در ارتفاعات و... در دنیا از آغازین روزهای زندگی بشر میزبان جمعیت متراکم انسانی بوده است.

با این مقدمه تلاش دارم پیوند زندگی متراکم (جمعیتی) بشری با نیاز بنیادی به طبیعت را گوشزد کنم و از این تلنگر به ارزش اکوسیستم‌های طبیعی برای بشر از آغاز زندگی بومی و سنتی تا عصر مدرنیسم و ارتباطات بپردازم.

برای نمونه کوهستان تنها به این خاطر که عرصه‌ای طبیعی است ارزش‌های اکولوژیک در طبیعت ندارد بلکه ارزش‌های آن وقتی نمود بیشتری پیدا می‌کند که حال و روز و هوای غبارگرفته و ناسالم شهرهای صنعتی شهروندان را به زانو درمی‌آورد و به دلیل اینکه طبیعت پناهگاهی ذاتی و باستانی برای بشر محسوب می‌شود اعتباری بی‌مانند دارد. برای نمونه تهران شهری آرمیده بر دامن کوهپایه‌های البرز برای این ارزشگذاری مصداقی بی‌مانند است.

این ارزشگذاری برای کوهستان بهانه‌ای برای صعود از صنعت گردشگری به قلب طبیعت است؛ صنعتی که بعد از انقلاب صنعتی و تکاپوی اجتماعی- اقتصادی و توسعه شهرها و کاهش زمان فراغت شهروندان، برنامه‌ریزی برای استفاده از آن آغاز شد.

تقسیم‌بندی وقت و ارزش اقتصادی زمان اروپایی‌ها را بر آن داشت تا سنت «سفرهای مذهبی قرون وسطی» را سامان دهند و خاطره «زائران کلیسای اعظم کانتربری در انگلستان» را در قالب صنعتی پررونق به گردش درآورند؛ اتفاقی که کشورهایی مانند ایران را به دلیل پتانسیل‌های طبیعی و باستانی جزء ۱۰ کشور برتر جهان قرار می‌دهد اما در عمل به دلیل ضعف در ساختار مدیریت و نابسامانی سیستماتیک در عرضه خدمات از این خوان افراشته نعمت طرفی برنمی‌بندد.

با این حال در این نوشته به دو ظرفیت بی‌نظیر فرهنگی- تاریخی برای استفاده از اکوتوریسم یا بوم‌گردی به عنوان صنعتی نوین در صنعت گردشگری کوتاه و بلندمدت کشور اشاره می‌کنم تا ضمن تاکید بر ارزش‌های صنعت گردشگری به سابقه تاریخی و عقبه فرهنگی این موضوع اشاره‌ای کوتاه شده باشد.

یکی به استناد تاریخ و فرهنگ چندین هزارساله این مرز و بوم، روز ۱۳ فروردین (سیزده به در) بزرگ‌ترین کارناوال گردشگری طبیعت نام گرفته و دیگری به اعتراف مقامات شهر تهران به دلیل وضعیت حاد پایتخت در آلودگی هوا و حجم ترافیک شهری و در نهایت موقعیت جغرافیایی خاص بزرگ‌ترین آخر هفته‌های دنیا در کوهستان‌های اطراف تهران شکل می‌گیرد.

در هر دو حادثه انبوهی از جمعیت به عنوان گردشگر به طبیعت پناه می‌برند تا لحظات آرامش‌بخشی را برای خود ثبت کنند. این نیازی است که از دیرباز در فرهنگ و تاریخ مردم ما وجود داشته اما بی‌تردید این حادثه علاوه بر اینکه فرصتی برای رونق صنعت گردشگری محسوب می‌شود، تهدیدی جدی برای لگدکوب کردن طبیعت نیز به حساب می‌آید.

احترام به طبیعت به خودی خود نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی و فرهیختگی فرهنگی در جوامع بشری است. استفاده از طبیعت صورت زیبای مساله است ولی صورت نازیبای آن زمانی است که هجوم سیل‌آسای جمعیت به طبیعت بدون رعایت استانداردهای زیست‌محیطی خسارات جبران‌ناپذیر را به بدنه اکوسیستم‌های به‌هم‌پیوسته وارد می‌کند. با این همه مردم شهرهای بزرگ و صنعتی به دلیل گستردگی حجم مشکلات ترافیکی و آلودگی‌های انباشته‌شده، نیازی اساسی به توسعه زیرساخت‌ها برای سفرهای کوتاه‌مدت به دل طبیعت دارند اما آیا گسترش تکنولوژی و استفاده از ابزار رفاهی آغازی برای تخریب اکوسیستم‌های در حاشیه شهرها محسوب نمی‌شود؟

این پرسش پاسخی ساده دارد که بی‌شک باید در ساختار مدیریت هر صنعت و صنفی جست‌وجو کرد. اما برای رمزگشایی از این ابهام باید پرسش‌ها و ابهامات دیگری را ساده‌سازی کرد و در نهایت به پاسخ مطلوب رسید. ابتدا باید پرسید آیا صنعت گردشگری

به طور عام و به طور خاص اکوتوریسم یا صنعت طبیعت‌گردی برای ما شهروندان پدیده‌ای شناخته‌شده است؟ آیا شهروندان ما برای گذران وقت خود در کوهستان‌های اطراف تهران یا طبیعت دل‌انگیز شمال و جنگل‌زاران زاگرس و دریاها و کویرها و... در ایران برنامه‌های مدون و از پیش طراحی‌شده‌ای دارند یا اصولاً گردشگری و طبیعت‌گردی هنوز برای ما امری ناشناخته است؟

باز باید به این پرسش‌ها ابهام دیگری را افزود؛ آیا پتانسیل تاریخی و اماکن باستانی و مذهبی ایران برای مسوولان و مردم ارزشگذاری اقتصادی شده‌اند، آیا هزینه‌ای برای تبلیغات و بازاریابی و همین طور شوکت حضور گردشگران در پهن‌دشت طبیعت کشور برای مدیریت گردشگری ایران شناخته‌شده است و اساساً آیا مدیریت بسامانی برای رونق گرفتن اماکن تاریخی صورت گرفته یا می‌گیرد؟

اینها پرسش‌های ساده‌ای است که معمولاً بی‌پاسخ می‌مانند اما در پردازش‌های ذهنی از آنها ابهام‌زدایی می‌شود، چرا که اکوتوریسم و توریسم در ایران زمینه‌های باستانی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی دارد اما زمینه‌های فرهنگی آن برای نسل‌های نو ناشناخته است.

باید اعتراف کرد که بسیاری از کشورها که ظرفیت طبیعی و تاریخی نازلی در برابر ایران دارند سالانه میلیاردها دلار درآمد ارزی از طریق بوم‌گردی به دست می‌آورند و این صنعت اگرچه به شکل سامان‌یافته تنها عمری به اندازه دو دهه در جهان دارد ولی در همین کوتاه‌زمان توانسته بخش مهمی از اقتصاد و فرهنگ را در جوامع رشدیافته و نیمه‌رشدیافته به خود اختصاص دهد.

با این همه باید بوم‌گردی یا اکوتوریسم را با تمامی داشته‌های اکولوژیک خود بازتعریفی تازه کنیم و آن‌گونه که دنیا این صنعت را به رسمیت شناخته به آن نگاه کنیم چرا که با رشد تکنولوژی و سابقه طبیعت‌گردی در ایران تنها تهدیدهای این پدیده متوجه طبیعت ما می‌شود و بزرگ‌ترین آخر هفته‌های دنیا تنها به تخریب بنیه‌های زیست‌محیطی طبیعت کوهستان‌های تهران می‌انجامد و سیزدهم اول هر سال تنها یک روز نحس تاریخی می‌ماند و بهانه‌ای برای تخریب محیط زیست و طبیعت کشور قلمداد می‌شود.

البته تعاریف آکادمیک و جهانی از طبیعت‌گردی بر پایه حفظ طبیعت و توجه به جوامع محلی بنا شده و به سفری اطلاق می‌شود که گردشگر مسوولانه به مناطقی طبیعی سفر می‌کند و خود حافظ محیط زیست است و صدالبته به بهبود کیفیت زندگی مردم محلی منجر می‌شود و «طبیعت‌گردی حداقل آسیب را به طبیعت و فرهنگ منطقه وارد می‌کند». با اینکه ۱۳ فروردین ایرانیان بزرگ‌ترین طبیعت‌گردی در جهان شناخته شده است اما نخستین مسافرانی را که حدود نیم‌قرن پیش سرنگیتی در آفریقا را بازدید کردند یا ماجراجویانی که در هیمالیا کوهپیمایی کردند می‌توان نخستین اکوتوریست‌ها[ی سازمان‌یافته] برشمرد و البته امروز شکل‌گیری انجمن بین‌المللی طبیعت‌گردی (TIES) در جهان بهانه‌ای برای اثبات ارزش‌های این پدیده برای بشر صنعت‌زده است تا اعتبار آن بیش از پیش نمایان شود.

سفر به جواهرده؛ روستایی در ارتفاعات رامسر

جواهری در مه

فرهاد فتحی

اگر برای سفر به شمال می‌روید و رامسر انتخاب شماست، بعد از ورود به این شهر بنرهای تبلیغاتی فراوانی نظرتان را جلب می‌کند که شما را به دیدن دهی در بالادست رامسر دعوت می‌کند. در این بین آبشارها و جنگل‌های سرسبز در بنرها بیش از همه به چشم می‌آید. پیش خود فکر می‌کنید که آیا این سرسبزی واقعی است یا ساخته ذهن طراح آن؟!

امروز می‌خواهم به شما بگویم که آنچه در تبلیغات می‌بینید نه‌تنها واقعی است بلکه تنها گوشه‌ای از واقعیات پنهان بهشتی است که انتظارتان را می‌کشد. این بهشت زیبا که غرق در سرسبزی، مه، باران و برف است، «جواهرده» نام دارد.

این ده پیشینه تاریخی به اندازه تاریخ ایران دارد. به هر کسی در رامسر برسید و سوالی درباره این محل بپرسید، خاطره‌ای از این جواهر گمشده تعریف می‌کند و البته افسانه‌های فراوان که باور کردن آن را به خودتان واگذار می‌کنم.

جواهرده (یا جئورده در گویش گیلکی به معنی ده بالا) قدیمی‌ترین روستای رامسر یا به نوعی رامسر قدیم بوده است! چون طبق روایات مردمان سخت‌سر (نام رامسر قدیم)، آنها در ابتدا در جواهرده و ییلاقات اطراف آن زندگی می‌کردند و بعد با پیدا کردن مسیرهایی از دل جنگل خود را به نزدیکی دریا رساندند و رامسر کنونی را تشکیل دادند.

اکنون جواهرده دیگر جمعیت ثابتی ندارد و به نوعی محلی برای تفریح و خوشگذرانی شده که در بهار و تابستان شلوغ و در پاییز و زمستان به دلیل سرمای زیاد جمعیت اندکی دارد. در صورتی که در قدیم اینچنین نبوده. مردمان این دیار در زمان قبل از رضاخان جاده مشخصی برای سفر از رامسر به جواهرده نداشته‌اند و آنهایی که در روستاهای بین جواهرده و رامسر زندگی می‌کردند، ابتدا در بهار گله‌های گاو و گوسفند خود را از کوهپایه‌ها و میان‌دره‌ها به ییلاق می‌رساندند و در این بین سره‌های (محلی برای استراحت گله‌دارها) مختلفی وجود داشت که آنها به استراحت می‌پرداختند و با غذاهایی از قبیل شیر و نان محلی (کشتا)، دوشاب، گوشت قورمه شده و برنج کته از آنها پذیرایی می‌شد. البته اکنون گله‌دارهای کمی به جواهرده می‌روند و آنجا برای خود سره‌گاه درست می‌کنند و اگر هم بروند از جواهرده عبور می‌کنند و به دشت‌های پشت آن در دامنه کوه‌های بلند سماموس (چشمه‌ای در پشت این کوه وجود دارد که سنگ کلیه را به کلی از بین می‌برد)، سرخه تله (کوه سرخ) و دشت لپاسر می‌روند.

در دوره رضاخان با شکوفایی رامسر جاده‌ای توسط مهندسان آلمانی به سمت جواهرده کشیده شد که محل عبور قزاق‌ها برای جنگیدن با نیروهای میرزاکوچک‌خان جنگلی بود. (در این سال‌ها سربازخانه‌ای در آنجا بنا شد که اکنون به نام «هتل گل» شناخته می‌شود که البته از بد روزگار این بنا در حال تخریب است) زیرا جواهرده از غرب به ییلاقات گیلان [اشکورات، رحیم‌آباد، سفیدآب] و از شرق هم به ییلاقات تنکابن [گرسمه‌سر، دوهزار، سه‌هزار] و از جنوب به قزوین می‌رسید. زمان رضاخان در محله‌ای که ورودی جاده اصلی جواهرده است، به نام «لات‌محله» و در انتهای این محل در مکانی به نام «پرده‌سر» (میدانی بزرگ در بالای رودخانه و پل) چربه‌دارها (آنهایی که اسب داشتند و به جاده آشنا بودند) جمع می‌شدند و با پرداخت هزینه‌ای در بهار و تابستان به ییلاق جواهرده و در پاییز و زمستان به قشلاق می‌آمدند.

در سال ۱۳۴۱ (به علت علاقه شاپورغلامرضا برادر شاه به شکار در این محل) با ترمیم جاده قبلی مسیری بهتر برای عبور و مرور ساخته شد و با آمدن وسیله‌های مختلف از قبیل ماشین و موتور مسافرت‌های بیشتری به این مکان زیبا انجام شد ولی همچنان این تردد به سختی انجام می‌شد مخصوصاً در پاییز و زمستان که به خاطر یخچال‌هایی که در پشت کوه سماموس در انتهای جواهرده وجود دارد، همیشه این روستا مملو از برف و کولاک است و قله‌های آن حتی تا تابستان برف دارند.

بعد از انقلاب، جواهرده بیشتر شناخته شد و حتی مورد علاقه شماری از سیاستمداران قرار گرفت، به‌طوری که خانواده برخی بزرگان برای رفتن به آنجا علاقه فراوانی نشان می‌دادند و در زمان دولت سازندگی این جاده ترمیم و آسفالت شد.

البته این همه اتفاقاتی که از سر جواهرده گذشته است، نبوده و جواهرده روزهای تلخی را هم پشت سر گذاشته است. این ده، به دلیل نشانه‌های زندگی در هزاره‌های سه تا پنج قبل از میلاد که در آن وجود دارد از قبل و بعد از انقلاب همیشه مورد هجوم افراد سودجویی بوده که به طمع یافتن آثار فرهنگی چندهزارساله این محل، به آنجا می‌آیند. گورهای گبری یکی از جاذبه‌های جواهرده است که مربوط به زرتشتیانی است که در دوران هخامنشیان، اشکانیان و سلوکیان می‌زیستند و اکنون بقایای آن در این محل باقی مانده یا گورهای خمره‌ای که (مرده به صورت نشسته دفن می‌شود) نشان از انسان‌هایی قبل از حضور زرتشتیان در منطقه دارد.

گورهای سردابه‌ای هم در این محل موجود است که معمولاً وسایل زندگی فرد مرده با او به خاک سپرده می‌شده و اگر او از بزرگان می‌بوده، غلام و حتی زن و بچه‌های او را زنده‌زنده در کنارش دفن می‌کردند.

برای دیدن این گورهای گبری باید به مکانی در جواهرده بروید که اکنون مملو از جنگل است و مشرف به یکی از روستاهای جیرده (ده پایین) فیلک‌دم است. این نوع قبور در مناطق مختلف جواهرده و در مسیرهایی چون لی‌سرا، سیاهچال‌کش سلمل، لشت‌کنس، بازرش و کوهستان‌های اطراف جواهرده زیاد است. البته در حد فاصل رامسر تا جواهرده محلی به نام «اژدلم» وجود دارد که در دو طرف رودخانه قبور گبری زیادی به چشم می‌خورد. با این اوصاف می‌توان افسانه محلی مردمان اینجا را باور کرد که نام جواهرده را به زنی نسبت می‌دهند که در زمان اشکانیان حاکم این منطقه بوده و به جواهرات علاقه فراوانی داشته است.

برخلاف گذشته دیگر جواهرده محل خرید و فروش و مرکز ثقل مردمان رامسر نیست و تبدیل به قطبی گردشگری شده است. ارتفاع دو هزار متری این ده از دریا، موجب شده آب و هوای بسیار خوبی در تابستان داشته باشد، به طوری که وقتی مردم از گرمای زیاد در رامسر می‌نالند، شب‌های جواهرده را بدون بخاری هیزمی و پتو نمی‌توان سر کرد. همچنین برخلاف رامسر جواهرده آب و هوای خشک کوهستانی دارد. چشمه‌های فراوانی در این روستا جاری است که آنها به همت روستاییان به داخل روستا انتقال داده شده‌اند. این چشمه‌ها از هر طرف جواهرده را دربرگرفته و زیبایی فراوان به آن داده است؛ چشمه‌هایی مانند سلیمان‌چشمه، آب‌علی، کوکین چشمه، تنگدر چشمه، برتل‌چشمه، برشی، پیغام‌چشمه و ده‌ها چشمه دیگر.

البته شاید اسامی این چشمه‌ها برای شما عجیب باشد اما هر کدام بر پایه داستان‌ها و افسانه‌هایی نامگذاری شده است و همچنین گویش خاص گیلکی مردمان اینجا که ادغامی از زبان مازندران و گیلان است را می‌توان در این مهم تاثیرگذار دانست. این ده را می‌توان به چند بخش اصلی تقسیم کرد که اسامی این محل‌ها هم ریشه تاریخی دارد. اینجا برای کسانی که قوه تخیل زیادی دارند و صخره‌ها را به پادشاهان و سربازان هخامنشی تشبیه می‌کنند، جای خوبی است. در جواهرده افسون تاریخ سر تا پای وجودتان را می‌گیرد.

افسون تاریخی بخش‌های قدیمی جواهرده شامل صیقل‌محله، رمک‌محله، تنگ‌دره، جولاخیل، شل‌محله، جیرکوه، سلمل، زورک، کنارو، فلیک‌دم، کهنه‌تنگ‌دره، فتوک، آموسی‌خیل، سید محله و اوشیان‌سر که بالای آن آسیاکش نام دارد، از این دست است.

یکی دیگر از ویژگی‌های جواهرده، آداب و رسوم و بازی‌های مردمان این منطقه است. از آداب و رسوم و بازی‌های محلی جاری در این ده می‌توان به تیرمه‌سیزده، مرغنه‌جنگ، گلکاری آدینه‌مسجد، کشتی گیله‌مردی (که بین پهلوانان گیلان و مازندران در هر جمعه تابستان برقرار است)، فندق و گردوبازی و کوهنوردی‌های صبحگاهی است که در ادامه به توضیح دو رسم این ده خواهم پرداخت.

آدینه‌مسجد یکی از مکان‌های قدیمی این ده است که در ابتدا آتشکده زرتشتی و محل آموزه‌های دینی قبل از اسلام بوده و با تخریب شدن این آتشکده در حدود ۷۰۰ سال پیش شخصی به نام شل‌شریف (که محلی به این نام در ده وجود دارد) اولین بار بنای مسجد را به جای آن گذاشت. هرچند این بنا هم در سال ۱۳۷۴ بر اثر برخورد آذرخش دچار حریق شد! و مسجد جدیدی در جای آن بنا شد.

مراسم گلکاری مسجد توسط دوشیزه‌های جوان و جشن‌های همراه آن دیدنی است. دیگر آیین این ده تیرمه‌سیزده است که در تقویم طبری گالشی (جواهرده دارای تقویم گالشی است که در این تقویم ماه‌های سال عبارتند از: اول‌ماه، مردال‌ماه، ده‌ماه، ورفه‌ماه، اسفندارماه، نوروزماه، کرچه‌ماه، ارکه‌ماه، تیرماه، سیه‌ماه، شررماه و امیرماه است) در تاریخ سیزدهم ماه تیر گالشی اجرا می‌شود که در این مراسم پس از آنکه محلی برای جمع شدن فامیل مشخص شد، یکی از پسرها کوزه‌ای را به چشمه می‌برد و آن را از آب پر می‌کند و به خانه مورد نظر می‌آورد. دختران و پسران مجرد گوشواره، سنجاق، انگشتر و اشیای متعلق به خودشان را به داخل آن می‌اندازند و دختر کوچکی که به سن بلوغ نرسیده را کنار کوزه آب می‌نشانند و شروع به خواندن رباعی و غزلیات محلی و... می‌کنند. همزمان دخترک دست را در داخل کوزه کرده و شیئی را بیرون می‌کشد که متعلق به هر کسی بود به رباعی‌ای که قبل از بیرون آمدن شیء خوانده شده بود، استناد می‌کند و می‌فهمد که نیتش برآورده شده است یا خیر.

از جاذبه‌های دیگر جواهرده می‌توان به مسیر ۲۷ کیلومتری رامسر تا این ده اشاره کرد که در این مسیر غیر از آبشارها و جنگل‌ها پارک جنگلی صفارود (آب معدن) که رودخانه آن از چشمه‌های جواهرده سرازیر می‌شود و همچنین از دریاچه قو که در دو کیلومتری جواهرده قرار دارد یا کلبه‌های قدیمی با غذاهای محلی که در این مسیر جا گرفته است را نباید از دست داد.

هم‌اکنون بافت قدیمی جواهرده در حال تغییر است و با هجوم گردشگران هر سال به ساخت و ساز در این مکان اضافه می‌شود که از لحاظ رفاهی تاثیرگذار بوده اما بافت قدیمی جواهرده را تغییر داده است آن گونه که بعید نیست آن را کم‌کم تا ۱۰ سال آینده از حالت ده خارج کند و شاید دیگر با آمدن تلفن، لوله‌کشی آب، بهداری و اورژانس، هتل‌های رنگارنگ، نانوایی‌ها و سوپرمارکت‌ها دیگر چشمان‌مان به آن خانه‌های گلی و چوبی که فانوس به آن آویزان است، نیفتد و دیگر بخاری هیزمی را نبینیم یا در تنور خانه نان محلی پخته نشود و شیر دوشیده نشود و مجبور شویم برای دیدن طبیعت بکر به سره‌ها که در اطراف و پشت جواهرده قرار دارد، برویم.

چه کنیم که دل کندن از جواهرده سخت است، پای صحبت اهالی قدیم ده، پیرزن‌ها و پیرمردها که بنشینید داستان‌های عجیبی از دیو و جن برایتان می‌گویند اما مهم‌ترین حرف آنها این است که اگر سکوت جواهرده و هوای پاک آنجا را مثل شهرهایمان آلوده کنیم، آنها که عمری را با کوچ از بهار تا تابستان در این ده می‌ماندند، به کجا باید بروند؟!

کم‌کم روستا در مهی که هر روز در حوالی بعدازظهر به سراغش می‌آید، گم می‌شود و تا ساعتی دیگر چشم، چشم را نمی‌بیند. ما هم خود را برای بازگشت به آلودگی‌های کلانشهرمان آماده می‌کنیم.

از سوغات اینجا باید به سراغ گردو و فندق و سیب ترش آن رفت و در کنار آن ترشیجاتی که از انواع میوه‌ها درست می‌شوند، دلرباست. از غذاهای محلی که هم می‌توان به کباب ترش روی زغال بخاری هیزمی دلچسب اشاره کرد و همچنین دوآب که با تربچه سفید لذت دوچندان دارد.

یک نکته دیگر که هنگام بازگشت خیلی جلب توجه می‌کند، آن است که مردم جواهرده رامسر را به نام گیلان (گیلان شنی) صدا می‌زدند و آن هم به این دلیل است که چون روزگاری رامسر جزء گیلان بود، از قدیم بر روی زبان‌ها مانده و شاید هم منظور از گیلان قشلاق (رامسر) آنها باشد. کسی چه می‌داند! اگرچه توضیح بیشتر از آنچه دیده‌ام و باورکردنی نبود، در این مقال نمی‌گنجد ولی شما را دعوت می‌کنم حتماً تا هوا رو به سردی نگذاشته، به دیدن این روستای رویایی و عجیب بروید، به امید اینکه سفری بی‌خطر و بالذت داشته باشید.

سودوکو شماره ۶۳

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	5							3
					8		9	
			2			8	4	7
	8	3	6	1				
	9			2			3	
				9	3	7	8	
8	1	5			4			
	4		3					
6							1	

حل سودوکو شماره ۶۲

4	9	3	7	1	8	5	2	6
7	1	8	5	6	2	3	9	4
2	5	6	3	9	4	7	1	8
3	4	2	6	7	5	9	8	1
6	8	1	4	3	9	2	7	5
9	7	5	8	2	1	4	6	3
1	2	4	9	8	3	6	5	7
8	3	7	2	5	6	1	4	9
5	6	9	1	4	7	8	3	2

جدول شماره ۱۰۵۵

افقی

۱- از خودروهای امدادی- سرزمین زیره ۲- بالش- همزاد، همراه- فلزی نرم و سمی ۳- از برادران یوسف- میوه‌ای با خواص طبی پرشمار- برودت ۴- شهری در استان کردستان- واحد پول امارات- سخنان بیمارگونه ۵- نیم‌تنه آستین‌دار مردانه یا زنانه- در بزرگ- چتر نجات ۶- مخزن بنزین ماشین- مرکز کنترل صدا و تصویر در صدا و سیما- پایتخت اریتره ۷- ویران- نخست- دلسوزی ۸- مجموعه کارمندان یک اداره- قرقره‌ای که به دور آن سیم روکش‌دار پیچیده و از آن جریان عبور می‌دهند ۹- کلام پرسش- شهر خروس‌جنگی- پست و فرومایه ۱۰- لحظه به لحظه، پیاپی- بزرگ‌ترین شهر در غرب آسیا- ترش و شیرین ۱۱- شهری در استان خراسان شمالی- خویشاوندی- از الفبای زبان آلمانی ۱۲- وسیله درو- از استادان بزرگ موسیقی ایران در صد سال اخیر- بازرگان ۱۳- رها- نوعی چاپ- مقدمه‌چینی ۱۴- روکار ساختمان- ضرباهنگ- خواب کودکانه ۱۵- کسی که وطنش را ترک و در محلی دیگر اقامت می‌کند- بیشترین مقدار ممکن.

عمودی

۱- از بزرگ‌ترین رجال سیاسی دو قرن اخیر- از صفات خداوند ۲- بعضی به خشخاش می‌گذارند- طاقت و تحمل- موافق و همراه ۳- با سرعت زیاد بدون توقف- جام ورزشی- داستان غیرواقعی ۴- مجبورشده- داداش- درجه حرارت ۵- گیرنده امواج تلویزیونی- جیوه- سطح ساینده سوهان ۶- گوشت آذری- پایتخت کوبا- شهر آلمان ۷- نغمه، آواز- بهترین سرگرمی فکری- ناسازگار ۸- نویسنده فرانسوی اثر رزوبلانچ- خاندان- زیر پا مانده- باد خنک ۹- کارآگاه داستان‌های آگاتاکریستی- لقب اشراف زمین‌دار اروپایی- هشتمین حرف الفبای یونانی ۱۰- آزاد- رک و راست- نیزه کوچک ۱۱- خاک صنعتی- نگهبان- شیرینی شاخه‌ای ۱۲- الفبای تلگراف- فولاد زنگ نزن- لوکس ۱۳- حریر- نصف- پسر گودرز ۱۴- فراسو- پهلوانی، دلیری- زرد انگلیسی ۱۵- پدر زبان ایتالیایی و خالق اثر کمدی الهی- پایتخت هلند.

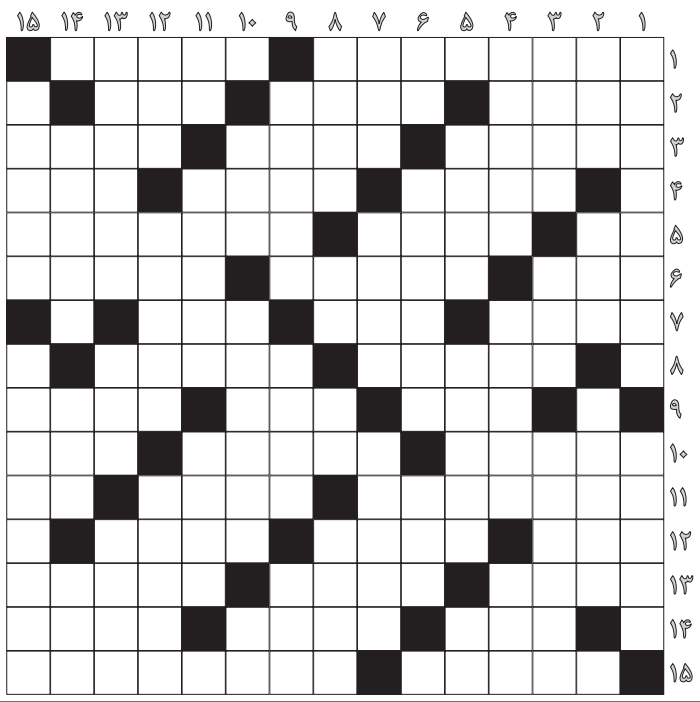
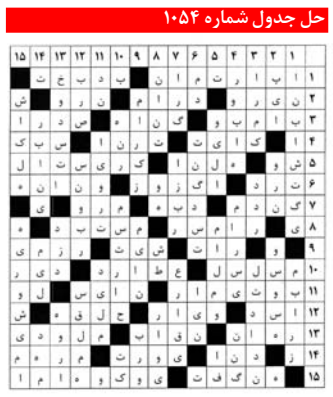
حل جدول شماره ۱۰۵۴